

مقاله پژوهشی: نقش قاعده‌سازی شرط مارتنس در تحدید به‌کارگیری تسلیحات جدید خودکار با تأکید بر الزامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران

میثم قارایی^۱ هیبت‌اله نژندی‌منش^۲ و محمدرضا علی‌پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

چکیده

«شرط مارتنس» که تجلی و آثار متعدد آن در حوزه منابع حقوق بشر دوستانه به‌ویژه در ماده ۳ مشترک بروز و ظهور نموده، به حسب عناصر مَقْوَم مندرج در این اعلامیه- اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی^۴ جایگاه خاصی در شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مدرن دارد. خلأ قاعده در تولید و استفاده از تسلیحات جدید یکی از چالش‌های حقوق بشری برای دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این پژوهش با فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای، مقالات معتبر علمی داخلی و بین‌المللی و ... اقدام به جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل به روش «توصیفی-تحلیلی» نموده و پاسخ به این سؤال را دارد که «شرط مارتنس» در قبال تحدید به‌کارگیری این چالش برای ساخت قاعده چه نقشی دارد و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

با توجه به آثار متعدد متأثر از آن شرط، نتایج حاکی است؛ اصول شرط مارتنس را می‌توان به عنوان سازوکاری برای خلق قاعده در حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق داخلی قلمداد نمود و تا رسیدن جامعه جهانی به یک هدف مشترک برای ایجاد قاعده عرفی الزام‌آور عام‌الشمول، موضوع باور الزام حقوقی به اصول کلی حقوق بشر دوستانه، ابتدا باید در باور دولت‌ها شکل بگیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز، ضمن تقویت بنیه دفاعی در حوزه تسلیحات جدید در چارچوب الزامات امنیت ملی خود، نباید از تحولات ناشی از شرط مارتنس در قاعده‌سازی غافل شود و بایست خود را با تحولات حقوقی روز دنیا هماهنگ سازد.

کلیدواژه‌ها: خرید و فروش، سلاح گرم، فضای مجازی، ثبت سفارش، پرداخت.

۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: m.gharaei110@yahoo.com
۲ استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: Hnajandimanesh@gmail.com
۳ استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: m_alipour@srbiau.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

حقوق بین‌الملل بشردوستانه از بدو تکوین تاکنون و در گذر از نظریات متفاوت، تحولات بسیاری را به خود دیده و همچنین مسئله منابع در رشته‌های حقوقی مزبور، همواره از موضوعاتی بوده که به‌خصوص در خلال یکصد سال گذشته، دائماً دچار توسعه و تحولات بسیاری شده است. از یک‌سو عرف بین‌المللی موجود درباره بسیاری از موضوعات دچار تغییرات کلی و جزئی شده و همچنین در بسیاری از موارد که قواعد حقوقی و عرفی چندانی وجود نداشته با ایجاد رویه‌های مستمر میان دولت‌ها که اصلی‌ترین بازیگران حقوق بین‌الملل هستند، عرف‌های جدید شکل گرفته است. یکی از این ابداعات نوآورانه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه که بعداً دستخوش تحولات شگرفی گردید و روند شناسایی قواعد عرفی را متحول ساخت، تدوین و تصویب اعلامیه «شرط مارتنس»^۱ در جامعه بین‌المللی بود که بر مبنای آن در قلمرو حقوق بشردوستانه در ابتدای امر، موضوع لاینحل حمایت‌های افراد غیرنظامی، اسرای جنگی و سایر اشخاص در زمان مناصمه نیز مسائل شکلی و ماهوی که محل اختلاف بسیاری از دولت‌ها بوده است را حل نمود و سپس به تدریج با توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و تعدد کاربرد آن و نیز تفاسیر و نظرات مختلف، اذهان را به سمتی سوق داد که با وجود چنین تحولی در ساخت قاعده عرفی و مبنای قرارداد اصول مندرج در شرط مارتنس یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی^۲، نمی‌توان هیچ‌کدام را به عنوان عذری برای انجام اقدامات مخالف با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه که از عرف، (اصول بشریت و احکام وجدان جمعی) سرچشمه گرفته شده باشد، پذیرفت. یکی از چالش‌های پیش روی جامعه بشری که تاکنون در حقوق بین‌الملل بشردوستانه قاعده‌مند نشده، موضوع خلأ قاعده در

1M. Art. 1 clause

2laws of humanity.

3Requirements of the public conscience.

تولید و استفاده از تسلیحات جدید خودکار است. پیشرفت و توسعه فناوری در ساخت و لجام گسیختگی در استفاده از این گونه تسلیحات، موجب نگرانی جامعه بشری شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

طبق یک اصل کلی، با فقدان قاعده‌ای خاص در خصوص تسلیحات نوین، اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله «شرط مارتنس»، بر این قبیل تسلیحات اعمال می‌شود. ضرورت این تحقیق به دلیل آن است که متأسفانه با وجود منع کاربرد تسلیحات و روش‌های جنگی به موجب حقوق بشردوستانه و با توجه به خلأ قاعده در خصوص تولید و استفاده این گونه تسلیحات که در مخاصمات مسلحانه توسط ابرقدرت‌ها استفاده می‌شود و هیچگونه تحدیدسازی برای قاعده‌سازی در حقوق بشردوستانه وجود ندارد. این تحقیق ضمن بررسی نقش شرط مارتنس و کارکردهای آن به‌خصوص در حوزه تسلیحات نوظهور، در پی حل مشکل قاعده‌سازی در این حوزه و در بیان پاسخ به این سؤال است که «شرط مارتنس» در قبال تحدید بکارگیری این چالش برای ساخت قاعده چه نقشی دارد و چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای تولیدکننده تسلیحات جدید، ضمن توجه به تقویت بنیه دفاعی مبتنی بر الزامات امنیت ملی، با تنقیح برخی از قواعد حقوق بشردوستانه در حقوق داخلی، اصول و قواعد حاکم بر حقوق بشردوستانه را در ابعاد مختلف پذیرفته و کارآمد ساخته، اما نباید غافل از تحولات ناشی از شرط مارتنس در قاعده‌سازی باشد و می‌بایست خود را با تحولات حقوقی روز دنیا هماهنگ سازد. پس از اتهامات واهی کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران در زمینه تولید، نگهداشت و استفاده از بمب اتم، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ۲۱ آذر ۱۳۸۹، رأی فقهی مشهور خود را با موضوع «حرمت بکارگیری استفاده از تسلیحات کشتار جمعی، میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای» صادر فرمودند.^۱ متن فتوای ایشان درباره «حرمت ساخت و استفاده از سلاح کشتار

^۱ «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه

جمعی» که در ادبیات حقوق بین‌الملل در زمره اظهارات رسمی و به‌شکل سند رسمی سازمان ملل درآمده است، به شش زبان رسمی این سازمان (عربی، انگلیسی، روسی، فرانسوی، اسپانیولی و چینی) ترجمه و در دسترس ۱۹۲ کشور عضو قرار گرفته و مکرراً این بحث در نشست‌های ایشان مورد تاکید قرار گرفته و حتی در ۱۳۹۹/۱۲/۴ نیز این موضوع از سوی معظم له در جمع مجمع خبرگان رهبری، مجدداً این موضوع بیان گردید.^۱

۱- مبانی نظری

شرط مارتنس به‌واسطه تفاسیر متعدد در میان نظرات حقوقدانان و اندیشمندان، در جامعه جهانی و دولت‌ها همواره دچار تشتت آراء و بحث‌انگیز بوده است. جمهوری اسلامی ایران که طی سال‌های جنگ تحمیلی مورد تجاوز و نقض حریم مرزی بوده، ضمن ارتقاء و بروزرسانی تجهیزات تسلیحاتی دفاعی برای دفاع و حفاظت از کیان امنیت ملی، همواره به اصول کلی حقوق بشر و به‌خصوص حقوق بین‌الملل بشردوستانه پایبند بوده و این پایبندی را در زمره اعتقاد الزام حقوقی « اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی » دانسته و تولید و استفاده غیر متعارف از تسلیحات خودکار نوین جنگی را برای خود مجاز نمی‌شمارد. از طرف دیگر برخی از دولت‌ها ایجاد قاعده یا اعتقاد به الزام حقوقی در قبال استفاده از اینگونه تسلیحات را با اصل رضایت دولت‌ها، چالش‌برانگیز و در تعارض با منافع خود دانسته و مخالف تفسیر موسع از اصول شرط مارتنس در ایجاد قاعده‌سازی و متعهدسازی دولت‌ها به انجام تعهدی که در پذیرش آن دخیل نبوده، هستند و به‌طور خاص تاکنون درخصوص ابزارهای نوین جنگی واکنش منفی نشان داده‌اند و تمایل چندانی برای تبدیل مفاهیم موسع و نه‌چندان روشن همچون اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی به حقوق لازم‌الاجرا و قاعده‌سازی در این خصوص را ندارند. همان‌گونه که بیان شد، موضوع عدم رضایت دولت‌ها در برقراری قواعد حقوق بشردوستانه در تمام شئون مختلف دارای سابقه تاریخی بوده و موضوع مقاومت سرسختانه و عدم رغبت به تصویب این کنوانسیون،

بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است، همه‌ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. (ما) کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن آنها بشر از این بلا‌ی بزرگ را وظیفه‌ی همگان می‌دانیم.»

در هنگام تصویب ماده ۳ مشترک کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو که «تحول بنیادی» به حساب می‌آید، کاملاً بروز و ظهور نمود (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۳۳). به دلیل همین اختلاف نظرها و عدم تمایل درخصوص قاعده‌سازی نسبت به موارد حقوق بشردوستانه بوده است که به اعتقاد اساتیدی چون رابرت تایت‌هت!^۱ «یکی از بزرگترین و البته مهم‌ترین چالش فراروی حقوقدانان در حوزه حقوق بشردوستانه این است که هیچ تفسیری که مورد قبول عامه دولت‌ها و اندیشمندان قرار گرفته باشد، درخصوص شرط مارتنس وجود ندارد» (تایت‌هت، ۱۹۹۷: ۱۲).

الف) پیشینه و نوآوری پژوهش

این موضوع از زمان ساخت هواپیماهای بدون سرنشین و پهپادها، توجه حقوقدانان را به پیشرفت‌های فنی و بی‌انضباطی در ساخت و استفاده توسط دولت‌ها را جلب نمود. این موضوع همواره یکی از حوزه‌های بسیار مهم بود که در مراحل ابتدایی ساخت تسلیحات خودکار از منظر حقوق بشر مورد بررسی حقوقدانان و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^۲ تا تهیه پیش‌نویس کنوانسیون در این زمینه بود.

در منابع فارسی‌زبان بحث به‌کارگیری تسلیحات نوین از منظر حقوق بین‌الملل به‌نسبت وارد ادبیات حقوقی شده است و به آن پرداخته‌اند، اما تسلیحات نوظهور خودکار به‌دلیل جدید بودن بحث، با ضعف منابع در منابع فارسی روبه‌رو است و تاکنون مقالات زیادی در این خصوص نگاشته نشده که البته به تعدادی از آن به اختصار اشاره می‌شود البته وجه امتیاز این مقاله نسبت به مقالات قبلی، بررسی نقش شرط مارتنس در تحدید به‌کارگیری تسلیحات نوین و ضرورت قاعده‌سازی در سطح بین‌المللی و قواعد داخلی با تأکید و مبتنی بر الزامات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در جدول شماره یک تعدادی از پژوهش‌ها آمده است:

1 Ropert Ticehurst.

2 International Committee of the Red Cross

جدول شماره یک) پیشینه

ردیف	عنوان و منبع	نتیجه
۱	شرط مارتنس در حقوق کیفری بین‌المللی؛ ماهیت و کارکردهای تفسیری (دهقانی و همکاران، بهار ۱۴۰۰)	در حقوق کیفری بین‌المللی که به مثابه نظام‌های حقوقی داخلی مدرن، از وفور قواعد در تنظیم رخداد‌های حادث و نوظهور برخوردار نیست، توسل به شرط مارتنس از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این میان، شرط مارتنس در قامت اصل کلی راهنما می‌تواند همچون ابزاری، ما را در راستای شناسایی اصول متناسب با حقوق بین‌الملل و وسیله‌ای برای تفسیر قواعد موجود و شاخص‌گزینش قاعده مناسب از میان قواعد مختلف قابل اعمال با غایت بشریت درخصوص موضوع مورد اختلاف یاری رساند.
۲	امکان یا امتناع اعمال شرط مارتنس در حقوق بشردوستانه معاصر، (طرحی، ۱۳۹۸)	امروزه اغلب دولت‌های بازیگر درجه اول حقوق بین‌الملل، تمایل چندانی برای تبدیل مفاهیمی موسع و نه‌چندان روشن همچون اصول انسانیت و تمینات وجدان جمعی به حقوق لازم‌الاجرا ندارند؛ اگرچه باید اعتراف «انسانی شدن» کرد که اجرایی ساختن مفاد شرط مارتنس در نهایت موجب هرچه بیشتر حقوق بشردوستانه به‌طور خاص و البته حقوق بین‌الملل در کلیت آن و موجب صیانت از ارزش‌های اساسی و مشترک جامعه جهانی خواهد شد.
۳	رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روایات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آن‌ها (رنجریان و همکاران، ۱۳۹۷)	کارکرد شرط مارتنس ممانعت از آن است که هر آنچه صریحاً به‌موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه منع نشده است، مجاز شمرده شود. همین عناصر، اصول انسانیت و الزامات وجدان عمومی بوده‌اند که در عمل، دولت‌ها را از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای - ناقض آشکار حقوق بشردوستانه - منع کرده است.
۴	نسبت میان شرط مارتنس و حقوق بشر در نظم حقوقی بین‌المللی جدید، (زرنشان، ۱۳۹۷)	اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی که در اعلامیه مارتنس یاد شده است، امروزه ساختار نظام حقوق بشر و بخشی از اعتقاد عمومی مشترک جهانی (Opinio Juris) را شکل می‌دهد که هیچ دولتی نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد. به دیگر سخن، اعتقاد به اصول انسانیت و ملاحظات بشردوستانه، در حال حاضر جزئی از ارزش‌های اساسی، بنیادین و مشترک جامعه جهانی‌اند و دولتی که به این ارزش‌ها بی‌توجه یا باوری به‌وجود آنها نداشته باشد، در جامعه بین‌الملل امروز جایگاهی ندارد.

ب) مفهوم شناسی شرط مارتنس

به‌لحاظ تاریخی اعلامیه شرط مارتنس ابتدا به‌منظور حل اختلاف میان اعضای کنفرانس صلح لاهه ۱۸۹۹^۱ درخصوص جایگاه جنبش‌های مقاومت در سرزمین‌های اشغالی در آن زمان مطرح شد. پیشنهاد تصویب شرط مارتنس از جانب نماینده روسیه «فیودور فیودریش

¹The Hague Peace Conference of 1899.

ون مارتنس^۱ و نماینده تزار نیکولاس دوم آرائه شد که به نظر این شرط در ابتدا تنها به عنوان نوعی راه حل دیپلماتیک و به منظور رفع موانع تصمیم‌گیری در کنفرانس صلح لاهه مطرح گردید و البته بعدها اهمیت بسیار بیشتری در فرآیند تصویب سایر اسناد مرتبط با حقوق بشردوستانه و حقوق ناظر بر مخاصمات مسلحانه به دست آورد (طرحی، ۱۳۹۸: ۳۸). به موجب این شرط «تا هنگامی که مجموعه کامل‌تری از قواعد ناظر بر جنگ تدوین و تصویب نگردیده است، طرفین معظم در خصوص اعلام این مهم، موافقت می‌نمایند در مواردی که تحت شمول مقررات مصوب قرار نمی‌گیرد، غیرنظامیان و نظامیان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل منبث از رویه تثبیت شده میان ملل متمدن، اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی باقی خواهند ماند»^۳. امروزه شرط مارتنس نسبت به کل قلمرو حقوق بشردوستانه قابل اعمال و این امر به اشکال مختلف در غالب اسناد مربوطه تأیید شده است (پیشین: ۳۲۲). به زعم فنودرو مارتنس نیز، محتوای این شرط درای سابقه تاریخی بوده و ریشه در آراء و اندیشه‌های حقوق طبیعی دارد (زر نشان، ۱۳۹۳: ۳۲۴).

۲- روش تحقیق

تحقیق به روش «توصیفی-تحلیلی» صورت گرفته و تکنیک آن تحلیل محتوا است. با توجه به نوع مقاله، روش آماری استفاده نشده و جمع‌آوری داده‌ها براساس تحلیل اسناد با ابزار فیش‌برداری است. تمام فیش‌ها، به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه و تحلیل محتوا تلقی شد. با توجه به تصمیم‌گرا و کاربردی بودن نتایج، نوع پژوهش، کاربردی و قابل بررسی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد. اطلاعات این تحقیق با ابزار سندپژوهی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای ادبیات موضوع و مطالعات تخصصی صورت گرفته از طریق جستجوی کتابخانه‌ای تخصصی، منابع بانک مقالات علمی اینترنتی

1Fyodor Fyodorich von Martens

2Nicholas II of Russia

3Until a more complete code of the law is issued, High Contracting Parties think it right to declare that in cases not included in the Regulations adopted by them, populations and belligerents remain under the protection and empire of the principles of international law, as they result from the usages established between civilized nations, from the laws of humanity, and the requirements of the public conscience

به‌روز، کتب مرتبط و بانک‌های اطلاعاتی معتبر مرتبط به‌دست آمده است. با توجه به این‌که محققین ضمن فیش‌برداری، دقیقاً منابع مربوط را نیز ذکر و در ذیل هر مطلب درج نموده‌اند، اعتبار مطالب توسط مدارک علمی انتخابی به‌صورت دقیق مشخص گردیده است.

۳- تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

الف) بررسی محتوایی اصول مندرج در شرط مارتنس

باعنایت به طیف وسیع تفاسیر گوناگون (مضیق یا موسع) پیرامون شرط، در نخستین گام باید اجزا و کاربرد شرط مارتنس در محاکم بین‌المللی، رویه‌های قضایی و نظرات حقوق‌دانان مورد مذاقه قرار گیرد. شرط مارتنس دارای سه عنصر اصلی است: اصول حقوق بین‌الملل و رویه تثبیت شده میان ملل، اصول بشریت و احکام وجدان جمعی. آنچه که در بین این اصول حائز اهمیت و تفاسیر مختلفی از آن به‌میان آمده دو شرط اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی است، چرا که اصول ملت‌ها برآمده از عرف رایج بین ملت‌هاست، البته این مفاهیم، در ادبیات حقوق بین‌الملل، مبهم و در هیچ سند الزام‌آوری که مبین روشن شدن مفهومی دقیق باشد، وجود ندارد و نیازمند تحلیل بیشتر است.

۱- اصول انسانیت

نخستین جزء شرط «اصول انسانیت» است که اساساً نمی‌توان آن را مجزا از ملاحظات اولیه انسانی دانست. این مفهوم مدت‌ها مورد توجه قضات، داوران و سایر اندیشمندان بوده و همواره برای اعطاء معنایی مشخص به آن تلاش گردیده و به‌طورخاص در حیطه تعهدات دولت‌ها مطرح شده است (مرون، ۲۰۰۰: ۸۲). واژه بشریت به‌طورکلی تعاریف گوناگونی دارد ولی آنچه که در بین اساتید اهل فن به آن اشاره شده منظور از بشریت، توده‌ای انبوه از انسان‌ها که از استخوان و ریشه سرشته شده باشند، نیست بلکه همان ارزش‌های متعالی که در تمام نظام‌های فکری و رفتاری به آن اعتبار داده شده است (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۰۳). در چارچوب نظری هم می‌توان بشریت را سرآمد مفاهیمی دانست

که مدافعان حقوق طبیعی جدید از آن تحت عناوین و قالب‌های حقوقی مختلف بهره می‌گیرند تا بتوانند با عبور از اراده‌گرایی و پوزیتویسم حقوقی، از چارچوب مضیق جزم‌گرایی حقوق خارج و عازم ورای صرف دولت‌ها شوند (بیگزاده و تاور، ۱۳۹۶: ۹). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو بیان داشت که: «تعهدات دولت آلبانی براساس کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ که تنها در شرایط مخاصمه قابل اعمال است، به این دولت قابل انتساب نبوده بلکه از برخی اصول خاص شناخته شده ناشی می‌گردد که «ملاحظات اولیه انسانی» نامیده می‌شوند که چه در شرایط مخاصمه و چه در زمان صلح قابل اعمال هستند.»^۱ همچنین دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه در رأی خود به سال ۱۹۸۶ عنوان داشت که: «رفتار دولت ایالات متحده آمریکا را می‌توان بر اساس اصول اساسی حقوق بشردوستانه مورد قضاوت قرار داد و همچنین قواعد خاصی که در ماده ۳ مشترک مورد اشاره قرار گرفته‌اند، نوعی معیار حداقلی را به منظور ارزیابی اعمال آن دولت فراهم می‌سازند؛ به‌علاوه اصول دیگری را در این رابطه می‌توان مدنظر قرار داد که دیوان آن‌ها را پیش‌تر در قضیه کانال کورفو ملاحظات اولیه انسانی نامیده است.»^۲ اظهارنظر دیوان در قضیه کانال کورفو، در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد که درباره وضعیت دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق تدوین گردیده بود، مجدداً این موضوع تصریح گردید.^۳ علاوه بر دیوان بین‌المللی دادگستری، شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز در پرونده مارتیچ^۴ این مسئله را مورد اشاره قرار داد که: «ممنوعیت حمله به جمعیت‌های غیرنظامی و همچنین اشخاص غیرنظامی و همچنین اصول کلی ناظر بر محدودسازی ابزار و روش‌های جنگی برخاسته از «ملاحظات اولیه انسانی» هستند که در شرط مارتنس نیز مورد اشاره قرار گرفته و مبنای اصلی حقوق بین‌الملل

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: *Orfu Channel case (UK v. Avbania), (1949), Merits, ICJ Rep 4, 22.*

^۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Military and Paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S), (1985) Merits, ICJ Rep. 14,113-114, para 218.

^۳ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Reports of the Secretary General of The United Nation pursuant to paragraph 2 of Security Council resolution 808, (1993), para. 48, n 9, UN Doc. S/25704.

^۴ Martić Case.

بشردوستانه قابل اعمال بر کلیه مخاصمات مسلحانه را تشکیل می‌دهد،^۱ همچنین همین محکمه بین‌المللی در پرونده فروندزیجا،^۲ شرط مارتنس را به منظور تقویت ادعای خود مبنی بر اینکه ممنوعیت شکنجه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است، مورد اشاره قرار داد،^۳ البته محکمه نورنبرگ نیز به همین منظور در پرونده فلک^۴ به شرط مارتنس اشاره قرار و با امعان نظر به ملاحظات اولیه انسانی، اخراج جمعیت از سرزمین اشغالی را به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، ممنوع قلمداد کرد. ملاحظات اولیه انسانی همچنین در برخی از دستورالعمل‌های نظامی نیز به عنوان نوعی کد رفتاری برای نظامیان مورد توجه قرار گرفته است که از آن میان می‌توان به دستورالعمل قوانین نظامی بریتانیا اشاره کرد (طرحی، ۱۳۹۸: ۳۸). با این حال، مهم‌ترین نمونه توجه به شرط مارتنس و مفاهیم انسانی در رویه قضایی بین‌الملل، مربوط به نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای سال ۱۹۹۶ بوده که دیوان در این نظریه، شرط مارتنس را مورد شناسایی و نقش آن را در مهم قلمداد کردن «اصول اساسی حقوق بشردوستانه» مجدداً مورد تأکید قرار می‌دهد. به عقیده دیوان مواردی چون تفکیک میان اشخاص نظامی و غیرنظامی، ممنوعیت حمله به اهداف غیرنظامی، ممنوعیت تحمیل درد رنج غیر ضرور و محدود ساختن ابزار و روش‌های جنگ از جمله این اصول، که با قیود مندرج در شرط مارتنس مورد تأکید قرار گرفته است.^۵

۲- احکام وجدان جمعی

دومین جز شرط مارتنس (احکام وجدان جمعی) به ارزش‌های مشترک انسان‌ها و ارزش‌های عرفی تمدن‌های بشری اشاره دارد. وجدان جمعی همچنین می‌تواند همچون

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Prosecutor v. Martić, Review of the indictment Pursuant to Rule 61 (March, 13, 1996), No. IT-95-11-R61, para 13.,
2Furundzija.

^۳ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Prosecutor v. Furundzija, Judgment, (December, 10, 1998) No. IT-95-17/I-T, para 137.
4Fleck Case.

^۵ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, (July 8) 1996 ICJ Rep 226

اصولی در نظر گرفته شود که به طور گسترده‌ای به عنوان ترقی در منافع مشترک جهانی که محدود به حقوق فردی نیست شناخته شده است (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۷).

وجدان جمعی در کنار هم قراردادن داورهایی که انسان‌ها براساس وجدان فردی خود انجام داده و معیار رفتارهای بین‌المللی، انطباق و یا تعارض با آن است (حسینی و راعی، ۱۳۹۵: ۴۵۸ و ۴۴۶). به‌طور کلی می‌توان از دو منظر به آن توجه نمود. ۱- ممکن است آنها را بازنمای نظر عموم دانست که رفتار طرفین مخاصمه را شکل داده و موجب توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌گردد. ۲- به‌موجب دیدگاهی دیگر می‌توان احکام وجدان جمعی را به‌مثابه انعکاس اعتقاد به الزام حقوقی موردتوجه قرار داد که اصلی‌ترین مؤلفه احراز عرف بین‌المللی مدرن و همچنین از دیرباز در دستورالعمل نظامی بسیاری از کشورها نیز تأکید شده است. به‌عنوان مثال در قرن ۱۹ دستورالعمل نظامی ارتش اسپانیا تدوین و مقرر شده بود که: «قواعد ناظر بر جنگ و حقوق ملت‌ها، ریشه در عقاید اصیل و استوار انسانی، عدالت و حسن نیت دارند و تبعیت ارتش از آن قواعد به صلاح خود ارتش و سایر تابعان خواهد بود. در همین راستا، دستورالعمل مزبور به «وجدان جمعی» نوعی قدرت قاعده‌سازی اعطا کرد که به‌موجب آن مفهوم اخیر توانایی ایجاد قاعده در حیطه مخاصمات و همچنین تعیین مجازات برای موارد نقض نظم عمومی را دارد. همین مسئله در دستورالعمل‌های نظامی حال حاضر نیز به‌چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، دستورالعمل نظامی ارتش بریتانیا، به‌نحوی مشابه بر اهمیت «احکام وجدان جمعی» و آراء عمومی تأکید می‌ورزد. به‌موجب این دستورالعمل، هیچ دولتی نمی‌تواند به‌طورکلی خود را از قیود آراء عمومی و جهانی مبری بداند» (طرحی، ۱۳۹۸: ۳۸). همچنین قاضی وراماتری در نظریه مشورتی مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای بر پررنگ بودن نقش «وجدان جمعی» در حقوق بین‌الملل صحه گذاشت. قاضی شهاب‌الدین نیز در مخالفت با نظر نهایی دیوان در ورد مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای بیان داشت که: «بکارگیری این سلاح‌ها به‌دلیل «مغایرت با وجدان

1 Judge Weeramantry.

Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, Nuclear Weapons, p. 490

۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

3 Judge Shahabuddeen.

جمعی» به‌هیچ‌وجه قانونی تلقی نمی‌گردد؛ حتی در صورتی که برتری نظامی ویژه‌ای از کاربرد آنها حاصل شود.^۱ در نتیجه اصول بشریت شرط مارتنس، همان ملاحظات اولیه انسانی و یا همان ملاحظات بشردوستانه است که در همه وقت (زمان صلح یا خصامه) قابل اعمال و دارای سه عنصر است: «۱- حق طرفین برای انتخاب وسایل و روش‌های جنگی نامحدود نیست. ۲- باید بین اشخاصی که در عملیات نظامی مشارکت و اشخاصی که به جمعیت غیر نظامی تعلق دارند، تفکیک قائل شد و تا سرحد امکان باید آنها را از صحنه خصامه نجات داد. ۳- شروع حمله به جمعیت غیر نظامی ممنوع است». این اصول در حال حاضر جزئی از ارزش‌های بنیادین و مشترک جامعه جهانی می‌باشند و دولت بی-توجه به این ارزش‌ها یا ناباور به وجود آنها، نمی‌تواند جایگاهی در جامعه بین‌المللی امروز داشته باشد. احکام وجدان جمعی به‌مثابه همان اعتقاد به الزام حقوقی دولت‌ها *Opinio Juris* قلمداد می‌شود. امروزه نظام کنونی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تحت تأثیر برخی تحولات ناشی از رشد و گسترش مفاهیم انسانی و ملاحظات اولیه بشری قرار دارد و به-وضوح روح شرط مارتنس در معاهدات، آراء قضایی، محاکم مختلف و رویه‌های قضایی و حتی در قوانین داخلی دولت‌ها نیز دیده می‌شود. این موضوع در اندیشه مکتب حقوق طبیعی ریشه دارد و توانسته جایگزین اراده دولت‌ها در فرآیند خلق قواعد حقوق بین‌الملل موضوعه شده و تحولی نوین را در روند شکل‌گیری و سپس شناسایی قاعده عرفی به‌وجود آورد. تحولی که ریشه در شرط مارتنس و تبلور آن ابتدا در شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیکاراگوئه ۱۹۸۶ گواهی بر این مدعا بوده که دیوان بین‌المللی دادگستری در روند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از ملاحظه رویه دولت‌ها در وهله اول-همواره عنصر کلیدی فرایند ساخت و پرداخت قواعد حقوق عرفی-صرف‌نظر کرده و در این روند برای اعتقاد حقوقی دولت‌ها نقش محوری قائل شده است. در این چارچوب اعتقاد حقوقی دولت‌ها نه از رویه آنان، بلکه منبعث از اصول مندرج در شرط مارتنس (اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی) است. به دیگر سخن، اعتقادی که

۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: Dissenting opinion of Judge Shahabuddeen, Nuclear Weapons, 1996: 21 .

نه در چارچوب اراده دولت‌ها و منافع ملی آنها، بلکه تحت تأثیر اصول و اندیشه‌های آرمانی و ارزشی حقوق طبیعی شکل می‌گیرد. به‌طور کلی معمولاً، نقش شرط مارتنس به عنوان منبع ماهوی مبتنی بر عرف و یک منبع شکلی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این عرصه، شناسایی و احراز اعتقاد حقوقی دولت‌ها نیازی به وجود رویه‌های مقدم و تجربه‌های پیشینی ندارد، بلکه اعتقاد حقوقی (نسبت به الزام‌آور بودن قاعده‌ای خاص) براساس همان اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی که بی‌شک مورد قبول و پذیرش تمام اعضای جامعه بین‌المللی است - فرض گرفته شده و سپس پیروی از آن در رویه دولت‌ها بررسی می‌شود.^۱ در همین راستا، تئودور مرون^۲ تصدیق کرده است که «شرط مارتنس گرایشی را تقویت می‌کند که براساس آن در فرآیند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، در وهله اول، *Opinio Juris* (اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی) به عنوان مبنا مدنظر قرار گیرد تا رویه دولت‌ها» (مرون، ۲۰۰۰: ۸۸). همچنین به‌همین ترتیب، دیدگاه آنتونیو کسسه^۳ در رابطه با قید مذکور که معتقد بوده، «عناصر مادی و معنوی به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده عرف در یک شاخه خاص از حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه، نقش متفاوتی را ایفاء می‌نمایند. این امر به دلیل شرط معروف مارتنس است» (کسسه، ۲۰۰۰، ۲۱۴). به‌نظر کسسه این‌گونه اثبات شده است که: «برای شکل‌گیری یک اصل یا قاعده مبتنی بر قواعد انسانیت یا احکام وجدان جمعی، شرط عملکرد دولت لازم نیست یا حداقل این الزام نباید در مورد اصول و قواعدی که از شالوده و منطق متفاوت (انسانی) برخوردارند، آن‌قدر دارای اهمیت باشد. به عبارت دیگر زمانی که مشخص شود یک اصل یا قاعده کلی ناظر بر قواعد انسانیت (احکام وجدان جمعی) است، در نتیجه تأثیر شرط مارتنس در حقوق بین‌الملل تکوین یافته است» (پیشین: ۱۲۱). در واقع از طریق ماده ۳ مشترک بود که ورود حقوق بشردوستانه به نظام حقوقی داخلی دولت‌ها ممکن و به این ترتیب شکاف عمیق بر دیوار سخت و سنگین حاکمیت دولت وارد کرد.^۴

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: C Y .K upreskiC ase J udgment (J anuary ۲۰۰) ،P ara ۵۲۷
 2Theodor Meron.
 3Antonio C
 assese.

۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

۴ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

نتیجه این‌که شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، نقطه عطفی بود در فرآیند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی. تصویب ماده ۳ مشترک را در حقیقت باید «تحویلی بنیادی» در حمایت از انسان به هنگام این نوع مخاصمات دانست. ترتیبات این ماده هر اندازه که محدود و کم‌شمار باشد، رخنه‌ای بی‌سابقه در سد نفوذناپذیر صلاحیت انحصاری دولت‌ها در این زمینه ایجاد کرد. پس بیراه نیست که ماده ۳ مشترک را «تحویلی انقلابی» یا بهتر از آن «انقلاب حقوقی واقعی» توصیف کنند، زیرا دولت‌ها پذیرفتند که از آن‌پس اگر گروهی از مردم از فرمان حکومت سرپیچی و بر ضد آن شوریدند، حقوق بین‌الملل بر این رابطه و نزاع مسلحانه حاکم باشد.

ب) تأثیر و انعکاس شرط مارتنس در منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ تأثیر شرط مارتنس در حوزه معاهدات، آراء دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی همان‌طور که اشاره شد، شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه نقطه عطفی در فرآیند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بود، ولی آثار آن در منابع دیگر حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل ملاحظه است. به‌طورکلی، خود شرط در مقدمه کنوانسیون شماره ۲ لاهه درخصوص قوانین و قواعد عرفی جنگ زمینی درج شد و در کنفرانس دوم صلح لاهه ۱۹۰۷ در بند ۸ مقدمه کنوانسیون شماره ۴ درخصوص جنگ زمینی مجدداً مورد تأکید قرار گرفت (Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, 1907) شرط مذکور در بسیاری از معاهدات حقوق بشردوستانه نیز درج شده است که از آن موارد می‌توان به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درخصوص ممنوعیت گازه‌های سمی (Protocol for the Prohibition of the Use of Asphyxiating, 1925)، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۶۳) کنوانسیون اول ژنو در مورد بهبود شرایط مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در میدان

جنگ، ماده ۶۲ کنوانسیون دوم ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا، ماده ۱۴۲ کنوانسیون سوم راجع به معامله با اسیران جنگی^۳ و ماده ۱۵۸ کنوانسیون راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ^۴ و سپس مجدد عین عبارات شرط مارتنس در پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ در ارتباط با قربانیان مخاصمات مسلحانه (بند ۲ ماده ۱ پروتکل اول و بند چهارم مقدمه پروتکل الحاقی دوم) بیان گردید و در ادامه در مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۰ ژنو در خصوص ممنوعیت برخی تسلیحات متعارف؛ مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۰ ژنو در خصوص ممنوعیت جامع مین های ضد نفر^۵ و کنوانسیون ۲۰۰۸ در خصوص ممنوعیت بمب های خوشه ای^۶ در حوزه حقوق بشر نیز علاوه بر بند دوم مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر^۷ در قطعنامه ۲۳ کنفرانس تهران راجع به حقوق بشر در سال ۱۹۶۸، ذکر نمود. در اسناد حقوق کیفری بین المللی از جمله منشور دادگاه های نورنبرگ و توکیو، قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص نسل کشی؛^۸ کنوانسیون سازمان ملل در مورد غیر قابل اجراء بودن محدودیت های قانونی در مورد جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت^۹، بیانیه افتتاحیه دادستانی دادگاه نظامی آمریکا در نورنبرگ ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۷^{۱۰} و همچنین در پیش نویس مجموعه جرایم علیه صلح و امنیت نوع بشر ۱۹۵۴ میلادی و نیز در پیش نویس منشور نورنبرگ کشورهای

1 Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, (1949) Geneva, 1949, Art. 63(4).

2 Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, (1949), 75 UNTS 8, Art. 62.

3 Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, (1949), Art. 142.

4 Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, (1949), Art. 158.

5 Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects, (1980), Preamble.

6 Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction, (1997).

7 Convention on Cluster Munitions, (2008).

8 UN General Assembly, Res. (1948)217 A (III).

9 UN International Conference on Human Rights, . (1968).

شایان ذکر است ضمن اینکه در کنار تعریف شرط مارتنس باید به این نکته مهم توجه داشت که فارغ از اینکه چه تفسیر گوناگونی در مورد ماهیت و اجزاء آن ارائه گردیده، به واسطه تأکید رویه قضایی در دادگاه نورنبرگ، عملکرد دیوان بین المللی دادگستری، فعالیت های نهادها و سازمان های مختلف و اسناد متعدد فوق الذکر مرتبط با حقوق بشردوستانه، نباید شرط مارتنس را صرفاً محدود به کنفرانس صلح لاهه و موضوع خاص آن دانست؛ بلکه موارد فوق به پذیرش عام و مقبولیت بین الملل شرط مارتنس (لااقل با تفسیری مضیق از آن) گواهی می دهند.

1 UN General Assembly, Res. (1946)096(1).

1 Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 26 November 1968.

۱۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Opening Statement of the Prosecution in the Einsatzgruppen Trial (September 29, 1947), Accessed May 08, 2019.

ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و شوروی، اشارات و عبارات مستمری به جمله مشابه شرط مارتنس به‌ویژه عبارات «عرف‌های مستقر میان ملل متمدن، اصول بشریت و احکام ناشی از وجدان جمعی» داشته، که این فرمول تا قبل از تصویب نهایی منشور باقی‌مانده بود (آتادجانو، ۲۰۱۹: ۱۹)^۱ اما سرانجام در نسخه نهایی منشور دادگاه حذف و به‌جای آن مفهوم جنایات علیه بشریت در ماده ۶ ارائه شد.^۲ بااینکه این جمله صریح شرط از داخل متن حذف گشت، اما روح حاکم بر این شرط در پس جنایات علیه بشریت وجود دارد. به‌طور کلی مفاهیم شرط مارتنس درخصوص جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی به‌ویژه در مفهوم شکل‌گیری جنایات علیه بشریت نقش داشته است (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

ارجاع مرتبط دیگر به شرط مارتنس و عناصر مقوم آن به‌ویژه اصل بشریت در بند مربوط به «سایر اعمال غیرانسانی» صورت‌گرفته است. درواقع کار گرفتن عبارت مبهم «سایر اعمال غیرانسانی» در ماده ۶ منشور نورنبرگ، بند آخر ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق^۳ بند آخر ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری رواندا و بخش k بند یکم ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی زمینه اعمال شرط مارتنس در حقوق کیفری بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر نموده است؛^۴ حتی گنجاندن اصول شرط مارتنس در قواعد محیط زیست، منعکس‌کننده نقش و جایگاه آن در حفاظت از محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه، نیز از دیگر موارد اهتمام به این شرط در کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌باشد (پیری، ۱۴۰۱: ۱۱). جدا از این موارد، رویکرد دیوان در رأی مشهور مربوط به مشروعیت تهدید یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای در حقوق بین‌الملل ۱۹۹۶ نیز قابل تأمل است. در چارچوب این رأی و به‌منظور شناسایی حقوق بشردوستانه قابل استناد در پرونده، دیوان پس از این‌که نتوانست دریابد در عرصه حقوق

^۱Atadjanov.

^۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Agreement for the Prosecution and Punishment of the Major War Criminals of the European Axis, (1945), Art. 6(c).

^۳ دادگاه یوگسلاوی سابق مجموعه‌ای از اعمال را که اکنون به عنوان جرم مستقل به آنها پرداخته می‌شود (برای نمونه انتقال اجباری جمعیت، فحش‌های اجباری و ناپدید شدن اجباری اشخاص) مشمول عنوان سایر اعمال غیر انسانی قرار داده است.

^۴ با استفاده از معیارهای تفسیری مندرج در ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات، یعنی وسایل تکمیلی تفسیر از جمله کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده، می‌توان عبارت فوق و جایگاه شرط مارتنس را روشن کرد.

بین‌الملل منع جامع و جهان‌شمولی فی‌نفسه درمورد تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد، پاسخ به این پرسش را پیش روی خود قرار داد که آیا توسل به سلاح‌های هسته‌ای را با در نظر گرفتن اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه و حقوق بی‌طرفی می‌توان نامشروع تلقی کرد یا خیر؟ در این زمینه دیوان ضمن تأیید و تصدیق نظر اکثریت دولت‌ها و حقوق‌دانان، دال بر قابلیت اعمال اصول و قواعد حقوق بشردوستانه حاکم در درگیری‌های مسلحانه در زمینه تهدید یا کاربرد احتمالی سلاح‌های هسته‌ای و در این چارچوب بررسی اصولی چون تفکیک و منع ایراد درد و رنج غیرضرور، اذعان می‌دارد: «تصور شرایطی که در آن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض نکند، دشوار است، به‌ویژه در پرتو خصوصیات منحصربه‌فرد این‌گونه سلاح‌ها» به‌زعم دیوان، اصول مذکور متضمن ماهیتی بنیادین‌اند که باید توسط کلیه دولت‌ها اعم از اینکه کنوانسیون‌های دربردارنده آن اصول را تصویب کرده باشند یا خیر، رعایت شوند، زیرا آنها اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی و منعکس‌کننده «ملاحظات اولیه بشری» هستند.^۱ بدین ترتیب بعد از رأی معروف نیکاراگوئه ۱۹۸۶ در شناسایی ماده ۳ مشترک به عنوان قاعده عرفی، در چارچوب رأی مشورتی سال ۱۹۹۶ نیز جنبه‌هایی دیگر از تجلی پذیرش رویکرد مدرن در عرصه شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مشاهده شد. شایان ذکر است، سابقاً این رویکرد در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و بعد از آن حتی در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری مربوط به ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی ۲۰۰۴ به‌صراحت مجدداً بیان گردید. به‌زعم دیوان مقررات نظام‌نامه‌های لاهه، اکنون توسط دولت‌هایی که در قضیه کنونی اظهارنظر و به رسمیت شناخته و بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی محسوب شده است. به اعتقاد دیوان، به‌موجب ماده ۱۵۴ کنوانسیون چهارم ژنو، این کنوانسیون مکمل نظام‌نامه‌های لاهه است و دیوان تأکید بر الزام‌آور بودن قواعد مندرج در این نظام‌نامه‌ها بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی برای همه دولت‌ها از جمله رژیم صهیونیستی صرف‌نظر از

عضویت یا عدم عضویت آنها دارد. در نتیجه با عنایت به تعدد و تنوع آثار منعکس از شرط مارتنس در معاهدات الزام‌آور، آراء قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و توجه روزافزون برخی از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری و حتی دیوان بین‌المللی کیفری به اصول مندرج در شرط مارتنس به نظر می‌رسد، موضوع شرط مارتنس توانسته به خوبی در روند شکل‌گیری قاعده عرفی جدید بسیار تأثیرگذار باشد.

ج) تسلیحات خودکار مرگبار

سلاح‌های کاملاً خودکار یا روبات‌های خودگردان کشته‌شده، تسلیحاتی هستند که بدون مداخله انسان به طور کاملاً خودکار اهداف خود را شناسایی، تعقیب و مورد هدف قرار می‌دهند.^۲ این تسلیحات با اتصال به رایانه برنامه‌ریزی شده و با یکبار راه‌اندازی توسط عامل انسانی، به عنوان یک رزمنده، بدون دخالت و نظارت انسان، از طریق برنامه‌های رایانه‌ای و حسگرهای خود به انجام عملیات جنگی می‌پردازند. شایان ذکر است که باید میان تسلیحات کاملاً خودکار و دوربین‌دار و کنترل و هدایت‌شونده از طریق اپراتورها با تسلیحات مجهز به هوش مصنوعی، تمایز قائل شد. پیشرفت‌های تسلیحاتی و فنی جنگی از جمله «هواپیمای بدون سرنشین»^۳، «پهباد»^۴ روبات شناسایی یا روبات کشف و خنثی‌کننده مین، غالباً با هدف افزایش قدرت نظامی و کاهش خطرات مخاصمه برای رزمندگان خودی حاصل می‌شوند (ربکا، ۲۰۱۵: ۹۲۰).^۵ روبات نظامی خودفرمان^۶ نیز مانند سایر ابزارهای جنگی تحت حقوق مخاصمات مسلحانه است و باید قواعد آن رعایت شود (کارفانو، ۲۰۱۴: ۳)^۷؛ البته در جریان مخاصمات، روبات‌ها تنها در راستای اهداف نظامی به کار گرفته نمی‌شوند. در این خصوص می‌توان به روبات پزشکی^۸ اشاره کرد که این قابلیت را دارد تا با رساندن خدمات پزشکی به رزمندگان مجروح خودی که امکان درمان به موقع آنها به سبب

1 Lethal Autonomous Robots.

۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

International Committee of the Red Cross (ICRC) on autonomous weapon system, (11 April 2016).

3 The Unmanned Aerial Vehicle.

4 Drone.

5 Rebeca.

6 Autonomous Military Robot.

7 Carafano.

8 Medical Robots.

موقعیت مکانی ایشان وجود ندارد، تلفات انسانی به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد. از گذشته نیز تسلیحاتی که تاحدی از خودمختاری و ویژگی‌های خودکار برخوردارند، وجود داشتند. در این خصوص می‌توان به دو گروه عمده تسلیحات تدافعی همچون سامانه‌های دفاع موشکی و سامانه‌های تسلیحاتی تهاجمی همچون برخی از موشک‌ها اشاره کرد، اما میزان خودمختاری و ویژگی‌های خودکار آنها، از جهات مختلفی (زمان، مکان و توانایی عملیاتی) متفاوت و ممکن است برخی ادعا کنند تسلیحات خودکار نمونه جدیدی نیستند و در گذشته هم تسلیحاتی همچون مین‌های خودکار یا سامانه‌های موشکی که به طور خودکار اهداف زیادی از بین می‌برند، میان این قبیل تسلیحات وجود دارد. سلاح‌های خودکار، در محیط و شرایط بسیار متفاوت و پیچیده، همچون رزمندگان به تنهایی وارد جبهه‌های جنگ شده و هر نوع هدفی را شناسایی و مورد اصابت قرار می‌دهند. نوع اهداف، میزان خودمختاری و ماهیت این‌گونه تسلیحات بسیار متفاوت است. این واقعیت که فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی^۱ سریع‌تر از حقوق مخصصات مسلحانه توسعه پیدا کرده، غیرقابل انکار است. پیشرفت سریع در حوزه هوش مصنوعی در راستای تولید تسلیحات خودکار مرگبار سبب شده تا مانند مخصصات کاملاً مجازی رخ داده در فضای سایبری^۲، ابهاماتی در خصوص قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در رابطه با مشارکت روبات‌ها در جنگ و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها ایجاد شود (گنیس، ۲۰۱۵: ۱۲).^۳ برای مثال، هنگامی که روبات نظامی مرتکب جنایت جنگی می‌شود، چه کسی باید مسئول تلقی شود؟ یا اینکه آیا روبات نظامی توان رعایت اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه را هنگام مبارزه با انسان‌ها دارد؟ تسلیحات خودکار که نوعی روبات رزمنده محسوب می‌شوند، از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند که موجب شده است، توجه بیشتر کشورهای جهان به آنها جلب شود و با اختصاص بودجه‌های چشم‌گیر، تحقیقات تولید این سلاح‌ها را آغاز کنند. برای مثال این روبات‌ها گرسنه نمی‌شوند. از آنجاکه فاقد

1 Artificial intelligence.

2 Cyberspace.

3 Gneiss.

4 War Crime.

ادراک و شعور انسانی‌اند، بدون هیچ‌گونه وحشتی تمام دستور را اجرا می‌کنند. مهم‌ترین‌که، واگذاری مأموریت‌های عملیاتی به چنین روبات‌هایی، جان سربازان را حفظ و به‌طور چشم‌گیری از تلفات احتمالی کاربرانه این نوع تسلیحات می‌کاهد (شریفی‌طرازکوهی و صیادنژاد، ۱۳۹۹: ۵۶۲) درحال حاضر ۴۳ کشور در مخاصمات مسلحانه کنونی از برنامه‌های نظامی روباتیک بهره می‌برند. درحال حاضر دولت‌ها، برای داشتن دست برتر، تمایلی به افشای برنامه‌ها و دستاوردهای خود به‌خصوص در حوزه فناوری‌های نوین و تسلیحات نوظهور خود ندارند. بنابراین صحبت در مورد تسلیحاتی که باوجود وجوه پنهان آنها اطلاعات بسیار کمی در مورد آنها هست، بسیار سخت است. ازسوی دیگر، سنجش خطرها و فرصت‌های آنچه هنوز به بلوغ نرسیده، بسیار مشکل است. تسلیحات خودکار و روبات‌ها، در تعداد و در کارکردها و زمینه‌هایی که به‌کار می‌روند، در حال افزایش هستند (رنجبریان و بذار، ۱۳۹۷: ۶۴). سرمایه‌گذاری روبه‌رشد نظامی ایالات متحده آمریکا و بیش از چهل دولت دیگر در تکنولوژی روباتیک نشان از تبدیل شدن روبات‌ها به بخش مهمی از تسلیحات این دارد. ایالات متحده برای کاهش به خطر افتادن جان سربازان خود، جمع‌آوری اطلاعات و حملات مخفیانه از روبات‌ها استفاده می‌کند. رژیم صهیونیستی تا قبل از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نیز برای حفظ امنیت ملی و مرزهای خود از روبات‌ها برای گشت‌زنی بهره می‌گرفت و از ابتدای جریان طوفان‌الاقصی به بدترین شکل از تسلیحات متکی به هوش مصنوعی استفاده نموده که منجر به کشته شدن بیش از ۳۰ هزار نفر از زنان، کودکان و غیرنظامیان شده است. در جنگ بین روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲ از روبات‌های کشته‌شده توسط دو کشور استفاده شد. کشور روسیه از مین ضد نفر روسی به نام پی او ام ۳ استفاده کرد. این مین‌ها بر اساس طرحی از ورماخت آلمان به نام چرپنل ماین ساخته شده است.^۱

1Strike Stealthily.

2Schrappnell mine.

۳ این مین‌ها رد پا را تشخیص، سپس به هوا چیده و پس از آن در ارتفاع یک متری منفجر می‌شود تا حادامکان با ترکش به سربازان آسیب برساند. روسیه اعلام کرده که این مین ترکش را با استفاده از نرم‌افزار هوش مصنوعی کنترل خواهد کرد که می‌تواند به‌دقت تشخیص دهد آیا واحدهای روسی خود در حال نزدیک شدن هستند؟ و درصورت نزدیک شدن نیروهای خودی روس منفجر نمی‌شود و تنها درصورت تشخیص تقریب دشمن منفجر و آنان را از بین می‌برد. چنین مین‌هایی ماهیت حیوانی دارند چرا که افراد را به‌صورتی بی‌رویه نابود می‌کنند و اغلب به کودکان ضربه وارد می‌سازند. به‌همین دلیل است که این نوع از مین‌ها در سطح بین‌المللی غیرقانونی محسوب می‌شوند.

حدود ۶۴ دولت (غیر از روسیه) متعهد به عدم استفاده از اینگونه تسلیحات شده‌اند. یک مسابقه تسلیحاتی جهانی با هوش مصنوعی مدت‌هاست جریان یافته که عموم مردم تاکنون از آن بی‌اطلاع و این برای بشریت زنگ خطر می‌باشد. ارتش ایالات متحده در حال توسعه یک تانک رباتیک به نام اطلس است. نیروی دریایی ایالات متحده در حال کار بر روی یک کشتی جنگی رباتیک کاملاً خودکار «شکارچی دریا»^۱ که پیش‌تر به‌طور مستقل سفر خود را از هاوایی به سواحل کالیفرنیا تکمیل کرده است. چین در حال توسعه موشک‌های کنترل شده با هوش مصنوعی است. روسیه قصد دارد یک زیردریایی بدون سرنشین به نام «پوزیدون»^۲ را بسازد که قابلیت تجهیز تسلیحات هسته‌ای را دارد. آیا می‌توان به چیزی وحشتناک‌تر از یک زیردریایی فکر کرد که در آن به‌جای یک کاپیتان، یک برنامه رایانه‌ای تصمیم می‌گیرد که جنگ هسته‌ای آغاز شود؟^۳ از دیگر سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار، سیستم موشکی ضد کشتی فنلکس^۴ که برای اولین بار توسط نیروی دریایی آمریکا استفاده شده است. این دستگاه بدون دخالت عوامل انسانی می‌تواند هدف را جستجو، شناسایی، موقعیت را ارزیابی و به آن حمله کند (تصمیم شلیک توسط یک سیستم رادار کامپیوتری که سرعت و جهت نزدیک شدن به هدف را تشخیص می‌دهد، انجام می‌شود). هم‌اکنون ۴۲ کشور از این سیستم استفاده می‌کنند (Gneiss، ۲۰۱۵: ۶). نوع دیگر تسلیحات خودمختار، اس‌جی آر وان^۵ است. این سیستم تسلیحاتی یک سیستم ثابت توسعه‌یافته است که در مدار غیرنظامی مرز کره شمالی و کره جنوبی استفاده می‌شود. این سیستم با استفاده از لیزر، دوربین‌های حرارتی و سنسورهای مادون قرمز می‌تواند در روز و شب هدف حمله را شناسایی و به آن شلیک کند (محسنی جیهانی و طباطبایی، ۱۳۹۸: ۲۷۰). بنابراین با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی تسلیحات سلاح‌هایی که روز به روز به سمت خودمختاری بیشتر پیش می‌روند به‌گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در مقایسه با پهپادهای کنترل از راه دور، این نوع از سلاح‌های جدید، مستقل و بدون دخالت هیچ‌گونه عامل

1Sea Hunter.

2Poseidon.

<https://www.kebnews.ir/report/451221>.

۳ برای مطالعه بیشتر رجوع شود:

4Phalanx.

5SGR-1.

انسانی می‌تواند در میادین جنگی فعال باشد. این همان نگرانی است که در صورت عدم ضابطه‌مندی و قانون‌مندشدن تسلیحات نوین، موجب هرج و مرج در جامعه خواهد شد. چه بسا باتوجه به پیشرفت روزافزون در عرصه هوش مصنوعی و تولید انواع پهپاد و جنگ‌افزارهای نوین خودکار، جنگ سوم جهانی - که دامنه وسعت آن نامعلوم و نتیجه‌ای جز ویرانی برای بشریت نخواهد داشت - به واسطه این‌گونه ابزار شکل بگیرد.

د) تسلیحات خودکار نظامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

تعهدات حقوق بشردوستانه، دو ویژگی متمایز از سایر تعهدات بین‌المللی دارند. نقض تعهدات بشردوستانه، زیان‌دیده را محق به توسل به «اقدامات متقابل»^۲ نمی‌کند. همچنین مطابق تفسیر صلیب سرخ از ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، تعهد تضمین رعایت حقوق بشردوستانه نه فقط بر دوش طرف‌های درگیر مخصصه است، بلکه همه دولت‌ها مکلف‌اند هر آنچه در توان دارند به‌کار بندند تا احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌گونه‌ای جهان‌شمول تضمین شود.^۳ روبات نظامی باید قابلیت اقدام مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه را داشته باشد. در غیر این صورت، استفاده از آن در مخاصمات مسلحانه، جنایت جنگی محسوب خواهد شد (رنجبریان و بذار، ۱۳۹۷: ۶۸). دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای تصریح کرد که اگر نتوان در به‌کارگیری یک سلاح، الزامات حقوق بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کرد، کاربرد آن سلاح، مغایر با حقوق خواهد بود (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۵۴)، حتی اگر دولت کاربر سلاح، کنوانسیون‌های حاوی این قواعد را تصویب نکرده باشد، چون این قواعد، اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی هستند.^۴ لازم به‌ذکر است که لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات‌ها،

1 Countermeasures.

۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001), art. 50.

۳ قطعنامه ۶۸۱ شورای امنیت ملل متحد در سال ۱۹۹۰ بر تفسیر مزبور تأکید کرد. رنجبریان و باقرزاده (۱۳۹۲) بنیان اجرای حقوق بشردوستانه تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۶، شماره ۴۶، ۱۳۱-۱۳۰. این قطعنامه به استناد ماده ۱ مشترک، دول طرف کنوانسیون چهارم ژنو را به تضمین رعایت تعهدات رژیم صهیونیستی فرامی‌خواند (A/RES/32/90, 1977).

4 Legality of Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of (July 1996), I.C.J. paras. 78,79.

زمانی که آنها در مقابل روپات دیگر مبارزه می‌کنند، مطرح نمی‌شود، چون قواعد حقوق بشردوستانه اساساً دو هدف بنیادین حمایت از غیرنظامیان در مقابل آثار مخاصمات مسلحانه و حمایت از رزمندگان درخصوص رنج ظالمانه و غیرضروری را دنبال می‌کنند. در حقوق بین‌الملل کنونی، هیچ قاعده یا رژیم مختص تولید و کاربرد تسلیحات کاملاً خودکار وجود ندارد و تنها قواعد کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر هدایت مخاصمات و نحوه صحیح جنگیدن که شامل: ۱- اصل حمایت از قربانیان ۲- اصل محدودیت کنشگران ۳- اصل تفکیک ۴- اصل منع درد و رنج بیهوده ۵- اصل تناسب ۶- اصل ضرورت نظامی و مواردی دیگر همچون اصل احتیاط، اصل شأن انسانی و «شرط مارتنس» اعمال می‌شود. برای اظهارنظر در مورد قانونی بودن استفاده از تسلیحاتی که درخصوص آنها منع صریحی در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای یا عرفی وجود ندارد، باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه شود. این اصول و قواعد، بیانگر معیارهای کلی هستند که طرف‌های هر مخاصمه باید هنگام تصمیم‌گیری راجع به اینکه آیا استفاده از یک سلاح یا ابزار جنگی خاص مجاز است یا نه؟ آنها را در نظر بگیرند» (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۱۰۱) پس بنابراین درخصوص استفاده از سلاح‌ها در مخاصمات مسلحانه یا منع تصریح، اعم از معاهده‌ای یا عرفی، وجود ندارد و یا استفاده از آنها به موجب معاهدات خاص ممنوع یا محدود شده است. برای ارزیابی قانونی بودن استفاده از سلاح‌های دسته اول، باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. بدیهی است که در مورد دسته دوم، هرگاه دولت‌های متخاصم طرف معاهده حاوی منع کاربرد سلاح موردنظر باشند باید به آن معاهده و در غیراین صورت، به حقوق بین‌الملل عرفی رجوع شود. در صورتی که در این منع حقوق بین‌الملل فاقد قاعده‌ای در مورد ممنوعیت استفاده از آن سلاح باشد، به اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه خواهد شد (همان: ۱۰۰). همان‌طور که در قسمت قبل اشاره گردید، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود راجع به قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، دو اصل اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در این زمینه مورد شناسایی

قرار می‌دهد: اصل تفکیک بین غیرنظامیان و رزمندگان و اصل رنج بیهوده یا غیرضروری^۱ دیوان به اصل ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها و وسایلی که مرگ نفرات دشمن را اجتناب-ناپذیر می‌سازد، اشاره نمی‌کند. به نظر می‌رسد دیوان این اصل را نه یک اصل مستقل بلکه باید از فروعات اصل ممنوعیت ایجاد رنج غیرضروری و صدمه بیش از حد تلقی کرد.^۲ به-همین دلیل دیوان آن را به عنوان اصل سوم حاکم بر استفاده از سلاح در مخاصمات مسلحانه ذکر نکرده است. دیوان، علاوه بر این دو اصل عمده، شرط مارتنس را نیز ذکر می‌کند. اصول یادشده نشان می‌دهند که دولت‌ها در انتخاب سلاح‌هایی که به‌کار می‌برند، آزادی نامحدود ندارند. ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی به صراحت اعلام می‌کند: «حق طرف-های مخاصمه برای انتخاب روش‌ها و وسایل جنگی نامحدود نیست». به‌طورکلی درخصوص بحث حاضر که مربوط به تحدید استفاده از تسلیحات مرگبار خودکار می‌باشد، درمورد موضوع حمایت از غیرنظامیان در برابر عملیات نظامی اصل بسیار مهم و اساسی تفکیک مورتوجه است. اصل تفکیک که در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی و به‌نحوی در ماده ۱۳ پروتکل دوم منعکس شده است، متخصصان باید میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اعم از اموال و افراد نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند. این اصل اقتضاء دارد که حملات بدون وارد کردن صدمات جانبی نامتناسب به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی^۳ فقط متوجه اهداف نظامی شود. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مجدداً همین موضوع را به صراحت بیان داشت: «دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف قرار دهند و در نتیجه هرگز نباید سلاح-

IC J,R eport(1996).

para,

78.

۲ منظور از سلاحی که مرگ نفرات دشمن را اجتناب‌ناپذیر خواهد ساخت، سلاحی است که هیچ امکانی برای زنده ماندن افرادی که در شعاع معینی از محل برخورد یا به‌کارگیری این سلاح قرار دارند، باقی نمی‌گذارد. علت ممنوعیت اینگونه سلاح‌ها آن است که مرگ نفرات دشمن فراتر از آن چیزی که برای دستیابی به هدف مشروع جنگ، یعنی غلبه بر دشمن با ایجاد حداقل صدمه و رنج، ضروری است. در نتیجه مبنای منع استفاده از آن را می‌توان در اصل ضرورت نیز یافت. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

RK olb andR H yde A nI ntroduction to theInternationalL aw ofA rmedC onflicts O xfordU niversity P ublishing, (2008). 153-155.

۳ طبق این اصل، «ایجاد رنج غیر ضروری برای رزمندگان ممنوع است. بنابراین استفاده از سلاح‌هایی که سبب این گونه صدمه یا تشدید بی‌فایده رنج آن‌ها می‌گردد، ممنوع است» ICJ,loc.cit حتی در مواردی که کشتن دشمن در نبرد در پاره‌ای شرایط مجاز شمرده می‌شود، این به معنای کشتن با هر وسیله و یا هرگونه بی‌رحمی نیست. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

RK olb andR H yde op,

cit.

p153.

۴ نگاه کنید:

IJ .M atē eod andA .P V .R egerŠ heU se ofW hiteP hosphorus and theL aw ofW afY H L, (2007), V ol,10, 85.

هایی را مورد استفاده قرار دهند که قادر به تفکیک میان اهداف غیرنظامی و نظامی نیستند.» برخی از سلاح‌های خودکار مرگبار ذاتاً قادر به تفکیک میان اهداف غیرنظامی و نظامی نبوده و از این رو استفاده از آن‌ها غیرقانونی و نامشروع است. طبق قاعده ۷۱ از قواعدی که براساس مطالعه کمیته بین‌الملل بشردوستانه عرفی شناخته شده‌اند: «استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیت‌شان بدون تفکیک عمل می‌کنند، ممنوع است» (هنکاآرتنس و دوسوالدبک، ۲۰۰۵: ۳۲۴). سلاحی که فی‌نفسه غیرقانونی محسوب می‌شود، از نظر رزالین هینگنز^۱ سلاحی است که، قادر نباشد فقط یک هدف نظامی را نشانه بگیرد، هرچند صدمات جانبی هم به بار آید.^۲ به‌طور کلی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه به بیان اصول کلی در زمینه قانونی بودن یا نبودن سلاح‌ها و وسایل جنگی معین اکتفا نکرده است. این شاخه از حقوق بین‌الملل علاوه بر این، با اتکا به همان اصول، به‌طور خاص ممنوعیت استفاده از برخی سلاح‌ها و وسایل جنگ را به موجب معاهدات مختلف اعلام نموده و در آنجایی که برخی سلاح‌ها دارای قاعده معاهداتی نباشند، به‌واسطه اصول مندرج در شرط مارتنس محدود شده‌اند. مهمترین تسلیحات ممنوعه، اعم از سلاح‌های متعارف و سلاح‌های انهدام جمعی عبارتند از: گلوله انفجاری، گلوله‌هایی که در بدن انسان باز و گسترده می‌شوند، سم و سلاح‌های سمی، سلاح بیولوژیکی و باکتریولوژیکی، سلاح‌های شیمیایی، تله‌های انفجاری، سلاح‌هایی که با اجزاء یا تکه‌های غیرقابل تشخیص (به‌وسیله اشعه ایکس) به بدن انسان صدمه وارد می‌کنند، سلاح‌های لیزری کورکننده و سلاح‌های خوشه‌ای که مسأله مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از آنها طی چند دهه مورد بحث بوده است. ارزش والای حیات انسان ایجاب می‌کند که یک میزان حداقلی از «رابطه درون فردی»^۳ میان رزمندگان دو طرف متخاصم وجود داشته باشد و هنگامی که تسلیحات خودکار یا ربات در مقابل انسان می‌جنگد، هرگز نمی‌توان چنین رابطه‌ای را تصور کرد (اسپارو، ۲۰۱۱: ۶۸). بنابراین در کشتن

1H enckaert, M A ndD oswald-B

eak.

2Rosalin Hingnes.

3D insteinO pinion ofl udgeH igginE JR ep.1996.

pp,

588-589.

4 Boothby, William H. Conflict Law: The Influence of New Weapons Technology, Springer-Verlag Berlin Heidelberg, 2014, 110.

به نقل از منبع پیشین.

5Sparow.

انسان به وسیله ماشین، شأن انسان مقتول، نادیده گرفته می‌شود؛ همچنین حتی زمانی که رزمنده مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مجاز به کشتن رزمنده دشمن است، همواره براساس بررسی کاملاً شخصی و وجدان انسانی تصمیم می‌گیرد و این قدرت تصمیم‌گیری و حس نوع‌دوستی که سبب و انگیزه ارتکاب عمل انسان می‌شود در روبات‌ها قابل تصور نیست و آنها نمی‌توانند ارزش واقعی زندگی و جان انسان را درک کنند و با وجود محدودیتهای موجود در عرصه هوش مصنوعی، بسیار بعید است که روبات‌ها در آینده نزدیک بتوانند قابلیت‌های اخلاقی^۱ را کسب کنند.

ه) نقش شرط مارتنس در ایجاد تحدید در خصوص تسلیحات خودکار

همان‌طور که بیان گردید، شرط مارتنس در مواردی که رزمندگان و غیررزمندگان تحت پوشش حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاهده‌ای یا عرفی قرار نمی‌گیرند، تحت حمایت دو اصل مندرج در شرط یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی باقی خواهند ماند. به این ترتیب کارکرد شرط مارتنس ممانعت از آن است که هرآنچه صریحاً به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه منع نشده، مجاز شمرده شود (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۰۱ و ۱۰۴). به این سبب که از شرط مارتنس غالباً برای تکمیل سایر استدلال‌های حقوقی استفاده می‌شود، استدلال‌های قوی در خصوص ممنوعیت استفاده از تسلیحات خودکار با توسل به شرط مارتنس ارائه نشده است. با این حال دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد که شرط مارتنس به عنوان ابزار موثر در پرداختن به رشد سریع فناوری نظامی قابل استفاده است.^۳ حال به منظور ایجاد یک نظام جدید در حقوق بشردوستانه در خصوص این‌گونه تسلیحات نیازمند ایجاد و تشریح

1 Roff, Heather M. "The Strategic Robot Problem: Lethal Autonomous Weapons in War," *Journal of Military Ethics*, 2014, vol. 13, No. 3, p. 214.

به نقل از منبع پیشین.

۲ حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شدت متأثر از مبانی اخلاقی و اصل لزوم رفتار انسانی به عنوان بارزترین جلوه اخلاق در این حوزه، علاوه بر رزمندگان، در خصوص مجروحان، بیماران، اسرای جنگی، جاسوسان، خرابکاران و افراد مظنون به ارتکاب اقدامات خصمانه علیه دولت اشغالگر نیز لازم‌الرعایه است (نقل از وحید بذار، ۱۳۹۷) جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی معاهده، سال دوم، ش ۲، ۲۷۲.

۳ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Legality of Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, I.C.J. para. 78.

مساعی تمام دولت‌ها و ارکان حقوق بشری است که حداقل استانداردهای لازم جهت استفاده از این‌گونه تسلیحات را رعایت کنند، چراکه اصول مندرج در شرط مارتنس اصولی لازم‌الرعایه و در زمره قواعد آمره، قواعد عرفی و *Opinio juris* محسوب می‌گردد، ولی صرف رعایت این اصول به‌نظر کافی نیست و تا این اصول در حقوق داخلی و بین‌المللی، نظام قاعده‌مند نشود، این موضوع کماکان در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند. براساس یک اصل بنیادین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حق طرف‌های متخاصم در انتخاب شیوه‌ها و ابزارهای جنگی، نامحدود نیست و استفاده از سلاح یا روش جنگی مغایر با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مجاز نیست. پروتکل اول، منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در این خصوص اشعار می‌دارد که: «طرف‌های این پروتکل باید پیش از کاربرد اسلحه، ابزار یا شیوه جنگی، بررسی کنند که آیا استفاده از آن بر طبق این پروتکل یا سایر قواعد حقوق بین‌الملل امکان‌پذیر است یا خیر»^۱. در بخش قبل بیان شد، برخی دولت‌های قرن ۱۹ مانند اسپانیا و انگلیس دستورالعمل نظامی برای ارتش خود براساس شرط مارتنس، تدوین و خود را ملزم به تبعیت از اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی نمودند که به‌موجب آن مفهوم اخیر توانایی ایجاد قاعده در حیطه مخاصمات و همچنین تعیین مجازات برای موارد نقض نظم عمومی را دارد.^۲ همین مسئله در دستورالعمل‌های نظامی حال‌حاضر نیز به‌چشم می‌خورد. برخی از قدرت‌های بزرگ نظامی که به پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ نپیوسته‌اند نیز، این قاعده را در حقوق داخلی خود پذیرفته‌اند.^۳ به عنوان مثال، این پیش‌شرط بر اساس دستورالعمل شماره ۵۰۰۰-۵۱ وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا پذیرفته شده است.^۴ با این-حال، تمایز میان «ابزار» و «شیوه‌ها»^۵ باید همواره مدنظر قرار گیرد؛ بدین ترتیب که هر سلاح

۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflict (Protocol I), of 8 June 1977, art. 36.

۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به صفحه ۵.

۳ لازم به ذکر است، متن و روح پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ دقیقاً منبعث شده از شرط مارتنس می‌باشد.

۴ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

See US Department of Defense Directive 5000.01: The Defense Acquisition System, Defense Acquisition Guidebook, E1.1.15 (Legal Compliance), 12 May 2003.

5Means.

6Methods.

که ظاهراً قانونی است یا سلاحی که قبلاً به‌درستی از لحاظ حقوقی بررسی شده است، می‌تواند با استفاده غیرقانونی، مشمول اصل مزبور شود، اما ممنوعیت استفاده از برخی ابزارها بدون وجه به‌شیوه استفاده آنها و صرفاً به‌دلیل ویژگی ذاتی آنهاست. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در آخرین اقدامات خود دستورالعمل‌های مربوط به سامانه‌های تسلیحاتی خودکار را پس از ۱۰ سال به‌روزرسانی و هیئت نظارت جدیدی را برای مدیریت این فعالیت‌ها معرفی نمود و طبق ضوابط جدید سلاح‌های خودکار باید در اکثر موارد از معاون ستاد مشترک نیروهای مسلح، معاون سیاست‌گذاری وزارت دفاع و معاون تحقیقات و مهندسی وزارت دفاع مجوز رسمی بگیرند تا بتوانند وارد مراحل توسعه شوند.^۱ این دستورالعمل همچنین مقررات استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی را که در سال ۲۰۲۰ معرفی شد، بر سامانه‌های تسلیحاتی خودکار اعمال می‌کند. این به‌روزرسانی در مجموع اگر یک نقشه راه کامل نباشد، اما مشخص می‌کند که مسیر حرکت آینده ایالات متحده و سایر دولت‌ها با تمرکز بر فناوری‌های مدرن به کدام سمت خواهد رفت.

و) انعکاس اصول شرط مارتنس در پیش‌نویس «کنوانسیون سیستم‌های تسلیحاتی خودکار، ممنوعیت‌ها و سایر اقدامات نظارتی براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه»-

۲۰۲۳

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان حافظ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و عهده‌دار تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه پیامدهای بشردوستانه ابزار و روش‌های نوین جنگی را اولین بار در سال ۲۰۱۱ م. در دستور کار کارشناسان خود قرار داد.^۲ کمیته مذکور در مارس ۲۰۱۴ نشست را با حضور ۲۱ دولت و ۱۳ کارشناس مستقل، در چارچوب کنوانسیون تسلیحات متعارف^۳ در ژنو با هدف بررسی و تبادل نظر پیرامون تسلیحات تمام

۱ متن و روح پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ دقیقاً منبعث شده از شرط مارتنس می‌باشد.

۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

ICRC, The Challenges Raised By Increasingly Autonomous Weapons, (24 June 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/statement/2014/24-06-challenges-autonomous-weapons.htm> (24 June 2014).

3CCW: Convention on Conventional Weapons.

اتوماتیک برگزار کرد.^۱ در این نشست نگرانی‌های ناشی از این تسلیحات، بررسی و بر لزوم قاعده‌مهندسازی آنها تاکید شد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از تمامی دولت‌ها خواست تا پیامدها و مطابقت یا عدم مطابقت تسلیحات خودکار با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بررسی و به این پرسش پاسخ دهند که آیا کاربرد چنین تسلیحاتی با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه دارد؟^۲ متعاقب آن دیده‌بان حقوق بشر در گزارش سال ۲۰۱۲^۳ اعلام کرد که روبات خودفرمان علاوه بر اینکه نمی‌تواند منطبق با استانداردهای حقوقی عمل کند، ناامنی‌هایی را برای افراد غیرنظامی فراهم می‌آورد (اشمیت، ۲۰۱۳: ۲)، البته موضوع خلاء معاهداتی و قاعده‌ای در مورد تسلیحات نوین جنگی چاشنی‌دار، نیم‌نگاهی به شرط مارتنس و تعمیم آن به این‌گونه تسلیحات (به‌خصوص در یک دهه اخیر)، جزء موضوعات مهم مطرح در دیده‌بان حقوق بشر بوده، به‌طوری‌که، خانم بونیه دوچرتی^۴ عضو دیده‌بان حقوق بشر در آخرین نشست شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۹ اظهار داشت: «باعنایت به اینکه تاکنون قاعده‌ای در خصوص استفاده از این‌گونه تسلیحات خودکار مرگبار به‌وجود نیامده، پیشنهاد استفاده از اصول مندرج در شرط مارتنس (یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی به عنوان باور به اعتقاد حقوقی (Opinio juris) را به جهت قاعده‌سازی به دولت‌ها داد که این موضوع با استقبال گسترده‌ای روبرو و بنا شد تا این موضوع به‌صورت شناسایی، قاعده‌گذاری و تدوین در قوانین داخلی پیش‌بینی و اقدام یا به‌صورت معاهده‌ای دو یا چندجانبه لازم‌الاجرا پیشنهاد و مطرح گردد».^۵ سرانجام پس از چند سال پیگیری و دغدغه این موضوع در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و دیده‌بان حقوق بشر و سایر نهادهای

۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

ICRC. Autonomous Weapons: ICRC Addresses Meeting of Experts. (13 May 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/document/2014/05-13-autonomous-weapons-statement.htm>. (14 October 2014)

۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

ICRC. Autonomous Weapons: What Role For Humans?. (12 May 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/news-release/2014-12-autonomous-weapons-ihl.htm>. (14 October 2014)

۳ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Human Rights Watch, "Losing Humanity: The Case against Killer Robots", (Nov. 2012).

4Schmitt.

5Bonie docherti.

۶ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: <https://www.hrw.org/news/2018/08/21/killer-robots-fail-key-moral-legal-test>

حقوق بشردوستانه، گروهی از کارشناسان دولتی در زمینه فناوری‌های نوظهور در حوزه سیستم تسلیحات خودمختار مرگبار ژنو، در نشست‌های ۶-۱۰ مارس و ۱۵-۱۹ مه ۲۰۲۳ در دستور جلسه پنجم با عنوان «بررسی توصیه‌ها و نتیجه‌گیری‌های گروه کارشناسان دولتی مرتبط با فناوری‌های نوظهور در زمینه سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار مرگبار و ارائه تخصص در جنبه‌های قانونی، نظامی و فناوری» اقدام به ارائه پیشنویسی توسط کارشناسان کشورهای استرالیا، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، بریتانیا، و ایالات متحده^۱ با عنوان «پیشنویس موادی در مورد سیستم‌های تسلیحاتی خودکار؛ ممنوعیت‌ها و سایر اقدامات نظارتی بر اساس قواعد بین‌المللی حقوق بشردوستانه» نمودند. در مقدمه این پیشنویس کنوانسیون آمده است: «طرف‌های عالی، متعاهد کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های متعارف که ممکن است، بیش‌ازحد زیان‌آور یا دارای اثرات غیرمجاز تلقی می‌شوند.» باذعان دغدغه نسبت به این‌موضوع که تحقیق و توسعه فناوری‌های جدید در زمینه هوش مصنوعی با سرعت در حال پیشرفت است و به‌طور بالقوه سلاح‌های جدید و پیچیده‌تری را با عملکردهای مستقل، از جمله آن‌دسته از سیستم‌های تسلیحاتی که پس از فعال شدن، می‌توانند اهداف را شناسایی، انتخاب و درگیر کنند، ممکن می‌سازد. در ادامه عنوان می‌دارد: «توجه داشته باشید که این فناوری‌ها می‌توانند برای بهبود حفاظت از غیرنظامیان مورد استفاده قرار گیرند و درعین‌حال به خطرات ناشی از سوء استفاده از آنها در درگیری‌های مسلحانه، از جمله خطرات درگیری‌های ناخواسته، می‌بایست توجه داشته باشند.» پیشنویس این کنوانسیون دارای ۷ ماده با پیروی از اصول راهنما تایید شده توسط گروه کارشناسان دولتی در مورد فناوری‌های نوظهور سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگبار (گروه) که توسط طرف‌های متعاهد CCW تایید و به آن ۳ پیوست نیز ضمیمه شده است. در مقدمه این کنوانسیون دقیقاً شرط مارتنس مجدداً با این عبارات بیان گردیده:

¹Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects, 13 March 2023, CCW /GGE.1 /2023 / WP.4/Rev.1

«با یادآوری اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری نظر داده است که اصول اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه، از جمله موارد ضمیمه شده در اینجا می‌باشد که در مورد همه اشکال جنگ و انواع سلاح‌ها، چه سلاح‌های در گذشته، حال و آینده اعمال می‌شود. با اشتیاق برای روشن نمودن اینکه، چگونه اصول اصلی موجود در حقوق بشردوستانه که از سنت عرف مستقر، اصول انسانیت و از دستورات یا احکام وجدان عمومی مشتق شده‌اند، همچنان قابل اجرا هستند و الزاماتی را اعمال که از مردم و رزمندگان غیرنظامی محافظت می‌کنند.» تهیه‌کنندگان پیش‌نویس، ضمن تشویق تمامی دولت‌ها برای پیوستن به این کنوانسیون و قاعده‌مند نمودن اینگونه تسلیحات ذیل مقدمه بیان می‌دارد: «ضمن رعایت اصول کلی حقوق بشردوستانه موارد مرتبط با توسعه، استقرار و استفاده از سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار و ممنوعیت‌ها و سایر اقدامات نظارتی را مشخصاً تأیید کنید تا به‌طور مؤثر این الزامات حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه اجرا کنند.»

ضرورت توجه به قاعده‌سازی استفاده از تسلیحات نوین جنگی در حقوق داخلی ایران

مبیتی بر الزامات امنیت ملی

در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران نیز همانند کشورهای پیشرفته عرصه تکنولوژی تسلیحاتی دنیا، باهدف تقویت بنیه امنیت دفاعی و حفظ تمامیت ارضی کشور در جهت مقابله با تهاجم دشمنان با بهره‌گیری از فناوری روز دنیا در پی ارتقاء تجهیزات نظامی (به‌خصوص خودکار) است، اما علاوه بر منویات راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی درخصوص تسلیحات خودکار (اشاره شده در بخش اول)، موضوعی که جزء خطی مشی جمهوری اسلامی ایران (یکی از کشورهای پیشرو در حقوق بین‌المللی کیفری، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه) همواره در عرصه داخلی و بین‌المللی، سیاست دینی و مبانی اعتقادی را سرلوحه تمام فعالیت‌های حقوق بشری (حوزه‌های دفاع از امنیت داخلی و مرزها، دفاع فراسرزمینی و استفاده از تسلیحات نظامی) قرار می‌دهد، البته گفتمان مدرن

۱ انتخاب بخشی از آیه ۶۰ سوره انفال به‌عنوان آرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشانی بر این واقعیت است آنجا که خداوند فرمود: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید».

امنیت ملی، یک رویکرد بین‌رشته‌ای را تقویت می‌کند تا کشوری را به سوی توسعه پایدار سوق دهد.^۱ حمایت کیفری از منافع و امنیت ملی، ارتباط میان‌رشته‌ای امنیت با حقوق پررنگتر جلوه می‌شود. جلوه‌های این حمایت در دو بعد حقوق ماهوی و حقوق شکلی، که در بعد حقوق کیفری ماهوی، نظام حقوقی ایران، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جرم‌انگاری کشور نمودار است (میرکمالی، همکاران، ۱۴۰۰: ۳۸۴). دیپلماسی دفاعی به عنوان ابزار حصول حداکثری منافع ملی، از مهمترین حوزه‌های دفاعی هر کشور را تشکیل می‌دهد. دیپلماسی کنترل تسلیحات یکی از ابزارهای دیپلماسی دفاعی که برنامه اقدام نیز از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های دیپلماسی خلع سلاح و کنترل تسلیحات است. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران از فعال‌ترین بازیگران حوزه نظامی خلع سلاح بین‌المللی است. در جمهوری اسلامی ایران، برنامه اقدام در سند راهبرد ۲۰ ساله توسعه تعیین‌کننده محورهای حوزه دفاعی است (ذوالفقاری و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). علاوه بر این، موضوع حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در قوانین داخلی مانند قانون اساسی در زمینه پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی بشردوستانه و حتی در سایر قوانین بیان گردیده، این موضوع همان‌گونه که در مقدمه آمد، حتی در فتاوی رهبر معظم انقلاب در راستای اعتقاد به مبانی الزام حقوقی متاثر از اصول متعالیه بشریت و احکام وجدان جمعی، گواهی بر این مدعا بوده است که جمهوری اسلامی ایران، همواره اهتمام ویژه‌ای به قاعده‌مندسازی، احترام و حمایت از مبانی حقوق بشردوستانه را در حقوق داخلی دارد.^۲ در خصوص استفاده از تسلیحات نوین، کشتار جمعی و هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران ضمن تدوین مقررات قانونی (در قوانین داخلی و در زمینه پیوستن به معاهدات دو جانبه یا چندجانبه از سال ۱۳۳۷)، همواره پیگیر استفاده صلح‌جویانه در زمینه استفاده از انرژی اتمی بوده و با عقد موافقتنامه‌های متعدد^۳ در این زمینه دیپلماسی بین‌المللی فعالی دارد. به‌طور کلی در قانون

۱ برای مطالعه بیشتر رک: عباس مهری، (۱۳۸۱) بررسی مفهوم امنیت ملی و تأثیر آن در توسعه پایدار، فصلنامه مطالعات دفاعی - استراتژیک.
 ۲ به‌نظر نگارنده اصول یاد شده تحت‌عنوان شرط مارتنس، مبتنی بر سیره انبیاء الهی و متفکرینی چون کانت است که پیش‌تر بیان گردید در اصل ریشه در مکتب حقوق طبیعی دارد و رهبر معظم انقلاب نیز سیره و مبانی فکری و اندیشه خود را از مکتب و سیره نبوی-عُلوی بیان می‌دارند.
 ۳ رجوع شود به: پرهیزکاری (بهار ۱۳۹۸) مجموعه قوانین و مقررات انرژی هسته‌ای، معاونت امور بین‌الملل، حقوقی و مجلس دفتر امور مجلس و معاهدات هسته‌ای.

اساسی صریحاً درمورد تسلیحات نوین جنگی موضوعی نیامده (حتی اصطلاح حقوق بین-الملل) و موارد قابل مشاهده در ارتباط با تعهدات معاهده‌ای این قانون، منحصر به اصولی محدود است، ضمن آنکه حقوق بین‌الملل عرفی در قانون اساسی جایگاهی ندارد (البرزی ورکی، ۱۳۸۶: ۲۴)، ولی از سویی دیگر علی‌رغم عدم تصریح حقوق بین‌الملل و تعهدات و الزامات ناشی از آن در قانون اساسی، موضوع «تشکیل امت واحد جهانی» در مقدمه قانونی اساسی در مواجهه با واقعیت‌ها و ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر در عرصه روابط بین‌الملل بیان گردیده و با ذکر این مطلب که قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بر حقوق داخلی برتری دارد، نمی‌توان نسبت به حقوق فعلی حاکم بر این روابط بی‌اعتنا بود. از این رو، علاوه بر شناسایی مرزهای جغرافیایی، ممنوع‌سازی تغییر خطوط مرزی و تأکید بر حفظ تمامیت ارضی، به‌طور مطلق و حتی در رابطه با دولت‌ها یا ملل مسلمان (مثل اصول ۳ بند ۱۱ اصل ۹، ۷۸ و ۷۶ بحث پیوستن به معاهدات بین‌المللی)، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و توسل به سازوکارهای بین‌المللی جهت حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی (اصول ۷۷، ۱۲۵ و ۱۳۹) را به عنوان الزامات زندگی دنیای کنونی مورد توجه قرار می‌دهد (پیشین). بدون شک بین استفاده از ۱- تسلیحات خودکار نوین که ذیل اصول کلی حقوق بشردوستانه و ۲- قوانین داخلی یک رابطه عمیق نهفته است. یک اصل کلی موجود در حقوق بین‌الملل (موضوعات حقوق بشری و حقوق بشردوستانه) بیان می‌دارد؛ همان‌گونه که تئوری رژیم حمایتی بشردوستانه حتی در مخاصمات مسلحانه (داخلی یا بین‌المللی) به-مورد اجرا گذاشته می‌شود، سایر موضوعات حقوق بشری عرفی، من جمله قواعد آمره و عام‌الشمول نیز در صورت تصویب یا عدم تصویب توسط دولت‌ها، در عمل امری اجتناب-ناپذیر برای آنها به‌شمار می‌آید، چرا که قواعد عرفی در نظام حقوق بین‌الملل همیشه و در همه‌حال نسبت به قواعد داخلی دولت‌ها برتری دارد، البته همان‌گونه که بیان شد، جمهوری اسلامی ایران همواره در حوزه قاعده‌سازی حقوق بشردوستانه، در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی دیپلماسی فعال را پیشه ساخته که از جمله آن؛ تصویب کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، امضای پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷، تشکیل جمعیت هلال احمر، عضویت در کمیته

اسلامی هلال بین‌المللی ۱۹۸۲ و قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی و ... در زمینه حقوق بشردوستانه است. از دیگر این اقدامات مهم، می‌توان تصویب آیین‌نامه کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران توسط هیئت وزیران در سال ۱۳۷۸ را برشمرد! در بند ۴ ماده ۳ تصویب‌نامه مذکور عبارت «تهیه و ارایه پیشنهاد تصویب قوانین و مقررات در جهت رعایت و اجرای حقوق بشردوستانه و همچنین پیشنهاد الحاق جمهوری اسلامی ایران به معاهدات بین‌المللی مربوط» بیان گردیده که این موضوع نشان از اهمیت و توجه جمهوری اسلامی ایران نسبت به قاعده‌مندسازی حوزه حقوق بشردوستانه را دارد.

۴- نتیجه‌گیری

بدون شک «شرط مارتنس» و آثار آن در زمینه حقوق بشردوستانه در کنوانسیون ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ و به‌خصوص انعکاس اصول مندرج شرط در مقدمه پیش‌نویس کنوانسیون اخیر موسوم به «سیستم‌های تسلیحاتی خودکار (مارس ۲۰۲۳)» را می‌توان به عنوان نماد رشد و توسعه مفاهیم انسانی در حقوق بشر به‌طور کلی و به‌خصوص در حقوق بشردوستانه برشمرد. این اصول، سبب تحولی نوین در نحوه شکل‌گیری و شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است. باعنایت به موضوعات بیان شده، نگارندگان به این نتیجه می‌رسند که عرف مدرن (متأثر از شرط مارتنس) باوجود نقاط مثبت و انتقادات آن، باتوجه به درج مجدد اصول شرط در کنوانسیون اخیر درمورد تسلیحات خودکار، از مبانی مستحکمی در نظام بین‌المللی و ملی برخوردار است. اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی یاد شده در اعلامیه مارتنس، مانند چراغی است که ساختار نظام حقوق بشر و بخشی از اعتقاد عمومی مشترک جهانی را شکل داده و هیچ دولتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. این اصول جزئی از میراث ارزش‌های بنیادین و مشترک جامعه جهانی‌اند و دولت بی‌توجه یا ناباور و بی‌قید به آن (مانند رژیم صهیونیستی و شرکا که از اکتبر ۲۰۲۳ انواع جنایت علیه بشریت یا جنایات جنگی را علیه کودکان، زنان

و غیرنظامیان مردم غزه به کار برد. از هیچ جنایتی علیه بشریت در استفاده بی حد و حصر از بمباران و استفاده تسلیحات نظامی جدید، دریغ ننمود. بیش از ۳۰ هزار نفر بی گناه کشته، ده‌ها هزار نفر زخمی و صدها هزار نفر را آواره نمود) بی تردید نمی‌توانند هیچ جایگاهی در جامعه بین‌المللی داشته باشد.

پیشنهاد

جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر تقویت بنیه دفاعی در حوزه تسلیحات جدید در چارچوب الزامات امنیت ملی خود می‌بایست، ابتدا با تشکیل کمیته‌ای متشکل از صاحب‌نظران حوزه دفاعی-امنیتی، سیاسی-نظامی، با همکاری دولت و مجلس، ایجاد ضوابط، قواعد، دستورالعمل و قوانینی با هدف بررسی مشروعیت تسلیحات نوین از مرحله طراحی سلاح تا تولید و به‌کارگیری آن و در مراحل بعدی، سنجش و پیش‌بینی‌پذیری، قابل اطمینان بودن، اعمال نظارت و کنترل انسانی بر تسلیحات خودکار و در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از عملکرد و رفتار سلاح (از جمله معیارهای مطالبه‌شده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از دولت‌ها) را مدنظر قرار دهد. علاوه بر این نیز نباید غافل از تحولات ناشی از شرط مارتنس در قاعده‌سازی در سطح بین‌المللی باشد و خود را با تحولات حقوقی دنیا هماهنگ ساخته و به کنوانسیون اخیرالذکر بپیوندد. با این اقدام می‌توان از احتمال ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت و مسئولیت کیفری فردی ناشی از کاربرد تسلیحات مغایر با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه جلوگیری نمود.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- البرزی‌ورکی، مسعود (بهار ۱۳۸۶). حقوق بشردوستانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، ۲۴.
<https://ensani.ir/file/download/article/20120419185729-8025-3.pdf>
- بیگ زاده، ابراهیم و تاور، اسماعیل (۱۳۹۶). سهم دیوان بین‌المللی دادگستری در تجلی مفهوم بشریت، تهران، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۷، ۹.
https://www.cilamag.ir/article_27962_490242e0ddbd04b7a39939eb4901d734.pdf
- پیری، حیدر (۱۴۰۱). شرط زیست محیطی مارتنس و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر اصول پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۹۹، ۱۱.
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_102868_f182d678886f97b171ed4f3ee67d4a17.pdf
- حسینی، محمد و راعی دهقی، مسعود (۱۳۹۵). معناشناسی وجدان انسانی در اسناد بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۳، ۴۴۵-۴۶۸.
https://jpls.ut.ac.ir/article_58205_778ddd552183e7114741439ac02a6c38.pdf
- دهقانی، پریسا؛ رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و علی‌پور، محمدرضا (۱۴۰۰). مدخل‌های ورود و کارکردهای شرط مارتنس در حقوق کیفری بین‌المللی. مجله پژوهش حقوق کیفری، سال نهم، شماره ۳۵، ۲۰۷-۲۱۰.
https://jclr.atu.ac.ir/article_13217_ca91d7dee32eb2215bc8f98c4ea32a1b.pdf
- ذوالفقاری، مهدی و خسروی، ایمان (۱۳۹۵). تحرک بخشی به دیپلماسی دفاعی، در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تاثیر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره ۲۲، ۱۱۴.
https://www.iisajournals.ir/article_45866_bf3308a7a26216465d12be680d68684a.pdf
- رنجیریان، امیرحسین و بذار، وحید (۱۳۹۷). رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۹، ۶۴-۶۸.
https://www.cilamag.ir/article_31884_c21daf6a8a4c2fd11463ae5ccc5c5477.pdf
- زرنتشان، شهرام (۱۳۹۳). شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی، تهران: انتشارات گنج دانش.

- زرنشان، شهرام (۱۳۹۷). نسبت میان شرط مارتنس و حقوق بشر در نظم حقوقی بین المللی جدید، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۲، ۳۲۲.
https://jplsq.ut.ac.ir/article_67097_1686174a88ea8f9df10d0e6b62418d90.pdf
- شریفی طراز کوهی، حسین و صیادنژاد، محمد حسین (۱۳۹۹). اعمال اصول حقوق بین الملل بشردوستانه بر تسلیحات کاملاً خودکار به عنوان ابزار نوین جنگی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۲، ۵۶۲.
https://jplsq.ut.ac.ir/article_74348_8d00135c7b3aa94d4a2308c0260f4bcd.pdf
- طرحی، مهرا (۱۳۹۸). امکان یا امتناع اعمال شرط مارتنس در حقوق بشردوستانه معاصر، نشریه داخلی مرکز مطالعات حقوق بین الملل مدرن، شماره ۴، ۳۷-۳۸.
<https://milsc.org/fa/wp-content/uploads/2021/11/0Journal-No.-04-2019.pdf>
- فلسفی، هدایت اله (۱۳۷۹). حقوق بین الملل معاهدات، تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو.
- محسنی جیهانی، فاطمه و طباطبایی، سیداحمد (۱۳۹۸). کاربرد سلاح های خودمختار و اصول حقوق بشردوستانه، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، سال ۷، شماره ۲، ۲۷۰.
<https://ensani.ir/file/download/article/1580542710-9928-14-10.pdf>
- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷). حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: نشر میزان.
- ممتاز، جمشید و شایگان، فریده (۱۳۹۳). حقوق بین الملل بشردوستانه در برابر چالش های مخاصمات عصر حاضر، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.
- میرکمالی، علیرضا و حاجی وند، امین و نباتی، علی (۱۴۰۰). تحلیلی بر صلاحیت دادگاه های ایران در رسیدگی به تروریسم زیست محیطی، بیوتروریسم و اگروتوریسم به عنوان جرایم علیه منافع و امنیت ملی، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۳۸۴.
https://ns.sndu.ac.ir/article_1404_7768662f7d40fb1d958517bf539ed572.pdf

ب. منابع انگلیسی

- Agreement for the Prosecution and Punishment of the Major War Criminals of the European Axis, (1945), Art. 6(c).
- Abi-Saab, G. (1986), *Conflits armes non internationaux, in: Les dimensions internationales du droit humanitaire*, UNESCO, Pedone, Paris, 256.

- Atadjanov, Rustam. (2019). "Humanness as a Protected Legal Interest of Crimes Against Humanity: Conceptual and Normative Aspect", **International Criminal Justice Series**, Vol. 22, 19.
- Case concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, ICJ Reports, (1996), *Dissenting*.
- Carafano, James Jay.(2014), "Autonomous Military Technology-Opportunities and Challenges for Policy and Law", **Backgrounder No. 2932 on National Security and Defense, Heritage Foundation**, 3. <https://www.heritage.org/defense/report/autonomous-military-technology-opportunities-and-challenges-policy-and-law> Nasu, Hitoshi.
- Cassese, Antonio, (2000) The Martens Clause: Half a Loaf or Simply Pie in the sky?, **European Journal of international Law**, Vol.II, No.1, 214-<https://www.ejil.org/pdfs/11/1/511.pdf>
- Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects, (13 March 2023), CCW /GGE.1 /2023 / WP.4/Rev.1.
- Convention on Cluster Munitions, (2008).
- Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively (1980), Preamble.
- Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 26 November (1968).
- Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction, (1997).
- Corfu Channel case (UK v. Avbania) (1949), Merits, , ICJ Rep 4,22 .
- Dissenting opinion of Judge Shahabuddeen, Nuclear Weapons ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge ,(1996).
- Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, Nuclear Weapons, ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge ,(1996).
- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, (1949), Art. 63(4).
- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea,(1949), 75 UNTS 8, Art.62.
- Gneiss, Robin. (October 2015). "*The international-law dimension of autonomous weapons systems*", Firebrick Ebert Sifting, Vol. 68, No. 2,1-28.

- Rebeca, Gneiss. (October 2015). The international-law dimension of autonomous weapons systems, **Firebrick Ebert Sifting**, 12
- Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, (1949), Art. 158.
- Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, (1949), Art. 142.
- Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, (1907) The Hague, , Preamble.
- Henckaerts, J.M. And Doswald-Beak, L (2005) Customary international law, Vol. I Roles, Vol. II Practice, International Committee of Red Cross, Cambridge/New York: **Cambridge University press**, 324.
- Human Rights Watch, “Losing Humanity: The Case against Killer Robots”, (Nov. 2012).
- ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001), art. 50.
- Injurious or to Have Indiscriminate Effects, (1980).
- International Committee of the Red Cross (ICRC) on autonomous weapon system, (11 April 2016), Judge Weeramantry, 486.
- ICRC, The Challenges Raised By Increasingly Autonomous Weapons, (24 June 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/statement/2014/24-06-challenges-autonomous-weapons.htm> (24 June 2014).
- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, (July 1996) ICJ Rep 226.
- Meron, Theodor, (2000), “The Martens Clause, Principle of Humanity and Dictates of Public Conscience”, **The American Journal of International Law**, Vol. 94, No. 1, 82.
- Military and Paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S), (1985) Merits, ICJ Rep. 14, 113-114, para 218.
- Prosecutor v. Furundzija, Judgment, (December, 10, 1998) No. IT-95-17/I-T, para 137.
- Prosecutor v. Martić, Review of the indictment Pursuant to Rule 61, (March, 13, 1996) No. IT-95-11-R61, para 13.
- Protocol for the Prohibition of the Use of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare Geneva, (1925).
- Reports of the Secretary General of The United Nation pursuant to paragraph 2 of Security Council resolution 808, (1993), para. 48, n 9, UN Doc. S/25704.
- Schmitt, Michael N. (2013) “Autonomous Weapon Systems and International Humanitarian Law: A Reply to the

- Critics”, **Harvard National Security Journal Feature**. 2.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=218486
- Sparrow, Robert. (2011), “Robotic Weapons and the Future of War”, *New Wars and New Soldiers: Military Ethics in the Contemporary World*-edited by Jessica Wolfendale and Paolo Tripodi, **Ashgate Publishing Company**,. 68.
https://researchmgt.monash.edu/ws/portalfiles/portal/252781374/2632426_oa.pdf.
 - Ticehurst, Rupert, (1997), “The Martens Clause and the Laws of Armed Conflict”, **317 IRRC125**, 12.
 - UN General Assembly, Res. (1946) 96(1).
 - UN General Assembly, Res (1948).217 A (III).
 - UN International Conference on Human Rights, (1968) Tehran, Iran.

Website

- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/96319>.
- ICRC.Autonomous Weapons:ICRC Addresses-Meeting of Experts. (13 May 2014), available On: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/document/2014/05-13-autonomous-weapons-statement.htm>.(14 October 2014).
- ICRC,Autonomous Weapons: What Role For Humans?,(12 May 2014), available. on:<https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/news-release/2014-12-autonomous-weapons-ihl.htm>,(14 October 2014
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47392>.
- <https://www.hrw.org/news/2018/08/21/killer-robots-fail-key-moral-legal-test>.
- on:<https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/statement/2014/24-06-challenges-autonomous-weapons.htm>(24 June 2014).
- Opening Statement of the Prosecution in the Einsatzgruppen Trial (September 29, 1947), Accessed May 08, 2019.